

شمسپاره

الیف شافاک

ترجمہی

صابر حسینی



انشارات فروارید

فهرست

- ۷..... یادداشت مترجم
- ۱۱..... غربت
- ۱۵..... آدم‌هایی دور از هم
- ۲۰..... مدحیه‌ای برای سردرگمی
- ۲۴..... به خاطر آزار کسانی که دوست‌شان داریم، معذرت می‌خواهیم.
- ۲۸..... دشوار
- ۳۱..... جادوی عشق در استانبول
- ۳۶..... زوج‌های خسته
- ۴۱..... آیا نابغه آدم مغروری می‌شود؟
- ۴۵..... چطور خلاقیت را نابود می‌کنیم؟
- ۴۹..... دیکتاتور درون‌مان
- ۵۲..... ترس
- ۵۶..... آلیس در سرزمین عجایب
- ۶۰..... حسادت کردن در قبال یک نویسنده
- ۶۴..... حکایت یک کودک بی‌دست‌وپا
- ۶۸..... حکایت یک پرنده
- ۷۲..... شاهدان جنون
- ۷۷..... نسبت به خودت خوش‌بین باش
- ۸۲..... گتوهایی از جنس شیشه
- ۸۵..... حکایت یک شال‌گردن
- ۸۸..... مرد بودن در زندگی زناشویی
- ۹۱..... آقا و خانم فلانی
- ۹۵..... زن: معمایی ناممکن
- ۹۹..... ساختار مردانگی

۲۳۲	زیستگاه مشترک و حساسیت‌های مشترک
۲۳۶	گسل دل‌هایمان
۲۴۰	عاشق شدن به زبان کُردی
۲۴۵	خشونت‌ی که زیر نور ارقام اتفاق می‌افتد
۲۴۸	آتشی که در وجدان‌مان شعله‌ور است
۲۵۱	راه‌های رسیدن به سلامت عقلی و آرامش روحی
۲۵۱	در یک سرزمین پرتنش
۲۵۵	دوازده سپتامبر و دعای مادر بزرگم
۲۵۸	چشم‌پوشی

۱۰۳	رسم
۱۰۶	ازدواج اجباری
۱۱۰	وجدان مشترک ما!
۱۱۴	حق مذاخله در کار همسایه‌ام
۱۱۷	یک نویسنده، یک خودکشی
۱۲۱	قطره‌ی مرکب در باران
۱۲۵	نویسنده و من
۱۳۰	نویسنده‌گی در ترکیه
۱۳۵	شایعه: فرشته یا شیطان؟
۱۳۸	نصیحت‌هایی به ایف جوان
۱۴۱	شبی با ادبیات
۱۴۴	متنفران از کتاب
۱۴۸	ذهن خلاق
۱۵۲	دیگ جوشان
۱۶۰	بورخس
۱۶۴	آیا یک هنرمند می‌تواند سیاستمدار باشد؟
۱۶۸	شاعران نفرین‌شده
۱۷۲	یادداشت‌های سفر
۱۷۷	آن‌هایی که بدون حیاط و باغچه بزرگ شده‌اند
۱۸۲	زن شاعری که به جنگ نظام رفت
۱۸۵	آیا یک زن روشنفکر می‌تواند حسود باشد؟
۱۸۹	جناح‌بندی‌های سیاسی و حکایت‌های شخصی‌مان
۱۹۲	او برادر تو است
۱۹۵	شهرهایی که نویسنده‌ها را دوست دارند
۱۹۸	موزائیک وجدان‌مان
۲۰۲	ما و رسوم
۲۰۶	ساختن قلعه‌هایی از کلمات
۲۱۰	آدم‌های گرگ‌نمایی که میان‌مان هستند
۲۱۴	میوه‌ی عجیب
۲۱۸	کی در چشم مادران‌مان بزرگ می‌شویم؟
۲۲۳	سارق
۲۲۶	قدرت آدم‌های تنها
۲۲۹	آیا در میان جوامع توده‌ای، شکسپیر خلق می‌شود؟

یادداشت مترجم

الیف شافاک زاده‌ی استراسبورگ فرانسه (۱۹۷۱) است. کودکی‌اش را به‌خاطر شغل مادرش که دیپلمات بود، در شهرهای مختلفی مثل بوستون، مادرید، آمآن، کلن، میشیگان و آریزونا گذراند. از دانشگاه فنی و مهندسی خاورمیانه (واقع در شهر آنکارا) موفق به اخذ لیسانس در رشته‌ی روابط بین‌الملل شد و از همان دانشگاه فوق‌لیسانسش را در رشته‌ی مطالعات زنان و دکترایش را در رشته‌ی علوم سیاسی اخذ کرد. وقتی خیلی کوچک بود پدر و مادرش از هم جدا شدند و الیف نزد مادرش تربیت یافت. چنان‌که شافاک در نوشته‌هایش آورده، مادرش نقش به‌سزایی در تربیت او داشته است. الیف از همان دوران کودکی به خواندن و نوشتن داستان علاقه داشت و این امر باعث شده بود که نوشتن داستان را از کودکی آغاز کند.

اولین رمان او، *پنهان* در سال ۱۹۹۸، شایسته‌ی دریافت جایزه‌ی بزرگ مولانا شناخته شد. به دنبال این موفقیت کتاب *آینه‌های شهر و محرم* را نوشت که کتاب محرم توانست جایزه‌ی بهترین رمان سال ۲۰۰۰ کانون نویسندگان ترکیه را از آن خود کند. به دنبال آن دو کتاب *شپش پلاس* (۲۰۰۲) و *برزخ* (۲۰۰۵) را منتشر کرد که مورد استقبال خوانندگان قرار گرفت. کتاب *عشق* (۲۰۰۹) یکی از رمان‌های پرتیراژ این نویسنده است که رکورد پرفروش‌ترین رمان ترکیه را از آن خود کرد. در رمان *اسکندر*

(۲۰۱۰) داستان زندگی خانواده‌ای ترک را که به انگلیس مهاجرت کرده بودند به رشته‌ی تحریر درآورد. در سال ۲۰۱۳ *رمان من و استادم* را منتشر کرد.

کتاب *شمسپاره* در ژوئن سال ۲۰۱۲ منتشر شد. این کتاب شامل شصت و پنج مقاله است که الیف شافاک آن‌ها را در روزنامه‌ی *خبرتورک* منتشر کرده است. موضوع این نوشته‌ها مسائل اجتماعی، زن، خانواده، ادبیات، سیاست و غیره است.

شمسپاره کتابی است که با خواندن آن می‌توانیم با بحث‌های نظری شافاک در مورد مسائل گوناگون آشنا شویم. او در این کتاب سعی داشته به واکاوی هویت زن، جامعه‌ی مردسالار، کارکردهای سیاسی و اجتماعی جامعه در برقراری توازن میان تفاوت‌های جنسیتی، قومی و مذهبی، نویسندگی و نگاه مردم به موضوع ادبیات و رویدادهای مهمی که در گذشته و حال اتفاق افتاده بپردازد.

شافاک نویسنده‌ای آرمان‌گرا است. او نزاع‌های قومی و مذهبی را نکوهش می‌کند و معتقد است انسان‌ها با هر مذهب، زبان و نژادی که دارند، می‌توانند با مسامحه و اغماض و چشم‌پوشی از تفاوت‌ها در کنار هم زندگی کنند. این نویسنده هویت بشر را فراتر از جنسیت و نژاد و زبان می‌داند و نزاع‌های منطقه‌ای را که باعث ایجاد شکاف بین مردم می‌شود، زاییده‌ی طرز تفکر بنیادگرایانه‌ای می‌داند که سیاستمداران و دست‌های پنهان سعی دارند با دامن زدن به وسیله‌ی آن قشرها و طبقات مختلف جامعه را در مقابل هم قرار دهند.

الیف شافاک و روحیاتش را با شمسپاره بهتر می‌توان شناخت. او در این کتاب فارغ از شخصیت‌پردازی‌های رمان‌هایش، به شکل شفاف‌تر و بی‌واسطه‌تری با خوانندگان ارتباط برقرار می‌کند. او بخشی از زندگی شخصی‌اش را جلو چشمان خواننده می‌گسترده.

واژه‌ی *شمسپاره* که نام کتاب اصلی منتشرشده به زبان ترکی نیز می‌باشد، واژه‌ای به‌جامانده از دوران عثمانی است. شافاک در جای‌جای

آثارش، با به‌کار بردن کلمات عثمانی‌ای که شاید استعمال آن به فراموشی سپرده شده، میزان علاقه‌ی خود را به چنین واژه‌هایی آشکار می‌کند. گویا این پاره‌ی خورشید، روشنگری‌های این نویسنده درخصوص مباحث مختلف نظری است.

شمسپاره لایه‌های پنهانی زندگی یک رمان‌نویس و عقاید یک زن نویسنده یا نویسنده‌ی زن را چون تکه‌ای از آفتاب، مقابل چشمان خواننده می‌گسترده. سخن آخر در مورد طرح‌های به‌کار گرفته‌شده در کتاب است. شافاک در کتاب *شمسپاره* از طرح‌های آقای *م. کولتوکهان* پرکر بهره برده است. این طرح‌های مفهومی با نوشته‌های شافاک ارتباط موضوعی دارند.

با مهر
صابر حسینی